

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۲۲۲ دوره هشتم سال پنجم
سه شنبه ۱۳۶۷/۶/۸ به ۲۰ ریال

زندانیان سیاسی

قربانیان بند و بست با امیرالایم

دستگاه‌های تبلیغاتی ج.ا. سروصدای زیادی پراه انداخته‌اند که مخالفان سیاسی رژیم عراق گروه گروه اعدام می‌شوند. این واقعیتی است که در کشورهایی چون عراق، که دیکتاتورها بر آن فرمان می‌رانند، وجود دارد. پشردوستان جهان همواره چنین رژیم‌هایی را محکوم می‌کنند. اما آنچه که دستگاه‌های تبلیغاتی ج.ا. از آن چشم می‌پوشند و بقول معروف زیر سیبیلی درمی‌کنند این است که حاکمیت آدمکش "ولایت فقیه" در صدر اینگونه رژیم‌ها قرار دارد.

در سال‌های اخیر، بی‌تردید، هیچ کشوری پیش از ج.ا. بدلیل جنایت‌های بی‌شماری در زندان و کشتن مخالفان سیاسی خود، با واکنش‌های اعتراض آمیز افکار عمومی جهان روپرو نشده است. همین چندی پیش بود که سازمان‌های حقوق بشر و "عفو بین‌المللی" رسماً جنایت‌های رژیم در زندان‌ها، پایمال شدن حقوق انسانی و آزادی‌های سیاسی در ج.ا. را محکوم ساختند. در آن هنگام رژیم برای ایجاد انحراف در افکار عمومی کشور با ترتیب دادن سمیناری با شرکت برخی از شخصیت‌های اسلامی "پیره خوار خود از چند کشور مسلمان کوشید واقعیت‌ها را تخطئه کند. در این سمینار بود که بجای حقوق بشر "حقوق اسلامی" مورد بحث و بررسی قرار گرفت و ج.ا. خواست از خود چهره‌ای "اسلامی" و "انسانی" بپوشد در ص ۲

اطلاعیه

هیئت سیاسی

کمیته مرکزی

حزب توده ایران

تو ایستاده نمردی

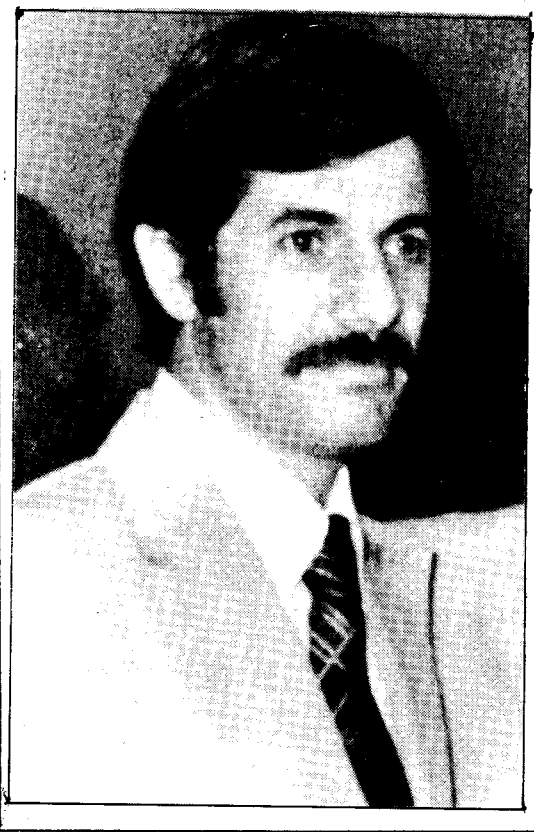
هر لحظه ایستاده تو را کشتند

اما

در هر باغی دوباره گل کردی

در هر چراغی دوباره برافروختی

در هر قلبی دوباره تپیدی



هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران به آگاهی مردم آزادخواه، رفقای توده‌ای و جنبش انقلابی می‌رساند که انقلابی بزرگ، شاعر، نویسنده، پژوهشگر و روزنامه‌نگار نامدار کشور، رفیق رحمان هاتفی منفرد ("حیدر مهرگان")، عضو هیئت سیاسی وقت حزب، از رهبران و بنیادگذاران "گروه آذرخش" که سپس به سازمان "نوید" معروف شد، زیر شکنجه‌های بهیمی رژیم جنایتکار ج.ا. جان سپرده است.

در سالهای اخیر درباره کشته شدن رفیق هاتفی و چند تن از رفقای هم‌ترازش خبرهای بسیاری رسیده بود که در مقالات، اعلامیه‌ها و بیانیه‌های گوناگون مورد اشاره قرار گرفته است. با اینحال، چون با توجه به حیل‌بازی‌های رژیم در این زمینه اطمینان کافی وجود نداشت، از اعلام رسمی خبر شهادت رفیق هاتفی خودداری می‌شد. رژیم جنایتکار ج.ا. که تمام ارزشها و موازین انسانی و اخلاقی را زیر پا گذاشته است و در همین حال از پراکنجیته شدن افکار عمومی علیه خود پشدمی‌ترسد، حتی از اعلام نام قربانیان خویش نیز خودداری می‌ورزد.

بویژه که آگاه ساختن مردم از کشته شدن انقلابی بزرگی چون رحمان هاتفی، که در میان نخبه زحمتکشان و روشنفکران مترقی کشور از محبوبیت بسیاری برخوردار بوده است، برای رژیم خطر بزرگی بشمار می‌رود. از میان برداشتن چهره‌هایی چون رفیق رحمان هاتفی، که نقش سازمانده را در جنبش نوین انقلابی کشور ایفا کردند و در آینده نیز می‌توانستند در جهت‌دهی جنبش نقش مهمی را اجرا کنند، توطئه مشترک سران ج.ا. و دستیاران و مهره‌های سازمان‌های جاسوسی امپریالیستی است.

رفیق رحمان هاتفی، یار و همسنگر رفیق شهید هوشنگ تیزابی بود که مبارزه انقلابی‌اش را بر ضد رژیم شاه - ساواک دوش بدوش وی آغاز کرد. او دوبار در سالهای ۴۵ و ۵۰ گرفتار دشمنان گردید و هر دو بار از آتش شکنجه و زندان سر بلند بیرون آمد. رفیق هاتفی در جریان مطالعه و تحقیق عمیق و دامنه‌دار و آشنایی از نزدیک با برخی از رهبران حزب در زندان، "پسوی حزب" گرایش یافت. بقیه در ص ۲

نامه سرگشاده به پزندک‌کوئیاری

رفیق شهید رحمان هاتفی:

راه همان است که من رفتم!

در ص ۴

کوه دشت: بند ۱ الی ۱۲ اصلی و فرعی - وزندانهای رشت، اصفهان، همدان، تبریز، خرم‌آباد و شیراز، نامه سرگشاده زیر را برای دبیر کل سازمان ملل متحد ارسال داشتند. متن نامه چنین است:

"دبیر کل محترم سازمان ملل متحد جناب آقای پیرس دکوئیاری احتراماً، قبل از هر چیز ما خانواده‌های بقیه در ص ۲

* خانواده‌های زندانیان سیاسی خواستار قطع اعدامها، ملاقات با عزیزان دربندشان و آزادی کسانی که دوران محکومیتشان پایان یافته است شدند.

گروه بزرگی از خانواده‌های زندانیان سیاسی در اوین: بند آسایشگاه، بند ۱ و ۲ و ۳ و ۴ (بالا و پائین)، بند ۲/۵، جهاد، کارگاه، سالن ۱ و ۵ و ۶ -

اطلاعیه هیئت سیاسی...

سرانجام در سال ۵۲ به حزب پیوست و دبیری نهائید که "گروه آذرخش" گسترش یافت و در ادامه این روند سازمان "نوید" زیر نظر رهبری حزب توده ایران بنیاد نهاده شد. او درباره ضرورت انتشار "نوید" به رهبری حزب نوشت: "بگذارید پدرهای اصیل را در زمینی که سر نیزه آن را شخم می‌زند، بهاشبم. بزرگترین حماسه امروز، تدارک پر حوصله و پیگیر فردایی است که در آن قهرمانان منزوی خلق، جای خود را به قهرمانان خلق می‌دهند. برای این فردای پرپرکت، چه پدری نیرومندتر از تئوری مارکسیسم انقلابی؟ و مارکسیسم واقعی در مبین ما مگر چیزی جز سرمشق نبرد پهلوانی حزب توده ایران است؟". در پاسخ به این نامه شورانگیز بود که رهبری حزب موافقت خود را با انتشار نشریه ای داخلی اعلام داشت و از رادیوی "پیک ایران" که رفیق هاتفی دورادور با آن در ارتباط بود پیشنهاد شد که "نام نوزاد را "نوید" بگذارید. او به استقبال وظیفه دشواری می‌رود. و برآستی که رفیق هاتفی در پرتو هشیاری فوق العاده و ذهن شکوفا و خلاق تئوریک و استعداد تشکیلاتی اش به سهم خود توانست از پس این وظیفه دشوار تاریخی برآید. نشریه "نوید"، که رژیم شاه - ساواک آن را چون خاری در چشم خود می‌بافت، در افشا، جنایتهای حکومت دیکتاتوری و وابسته پهلوی، تحلیل شرایط حاکم بر کشور و بسیج کارگران و زحمتکشان و روشنفکران انقلابی نشی سرگ را پیاپی کرد. این نشریه با تیراژی روز افزون که در آستانه انقلاب بهمن ۵۷ به صد هزار و پس از آن به ۲۴۰ هزار رسید "در طی سه سال و نیم فعالیت مستمر زیر زمینی خود (از اواسط سال ۵۴ تا هنگام پیروزی انقلاب بهمن ۵۷) راهی دراز را پیمود. نیرو و ذکاوت او، تجربه غنی سیاسی و سازمانی حزب بود. سازمان "نوید"، که از جمله در پرتو هشیاری قابل تحسین رفیق هاتفی هیچگاه از رژیم شاه ضربه سختی نخورد و برعکس به آن ضربات سختی زد، علاوه بر تغذیه وسیع اطلاعاتی حزب، در پر خورد و سمت دهی جنبش انقلابی، چه از راه سازماندهی بحث های رودر رو و چه از راه انتشار مقالات تئوریک و چه بحث و پلمیک کاری کرد کارستان. اغلب مقالات تئوریک "نوید" بقلم "حیدر مهران" نوشته می‌شد. رفیق رحمان هاتفی این نام را، که بزودی بر سر زبانها افتاد، به احترام رفیق حیدر عمواغلی، رادمرد بزرگ و رهبر حزب کمونیست ایران و تاریخ بنیادگذاری حزب توده ایران (مهرماه) انتخاب کرده بود. در دوره توفان زار و تاریخی انتشار "نوید" حیدر مهران به قهرمان ذهنی هزاران نفر از تشنگان واقعیت در جنبش کارگری و کمونیستی کشور تبدیل شد. بی تردید تحت تاثیر قلم شیوا و موشکاف حیدر مهران بسیاری از جوانان راه حزب را در پیش گرفتند. رفیق حیدر مهران این راه را تا هنگام دستگیری با پیگیری خستگی ناپذیری پیمود. علاوه بر این، رفیق رحمان هاتفی در زمینه های گوناگون به تحقیقات دامنه داری دست زد که برخی نیمه کاره ماند، برخی توسط حاکمیت تاریخ ستیز، فرهنگ ستیز و آگاهی ستیز ج. ا. ناپود شد و بخشی از آن نیز، که خود گنجینه ای با ارزش است، توسط حزب منتشر شد. شخصیت ادبی رفیق مهران، هنوز

چنانکه باید و شاید شناخته شده است. شعرا و معدود نقدهای ادبی اش که دسته گریخته منتشر شده اند سنگ پز آبروی یا آثار با ارزش هنری و ادبی این دوران کشور ما می‌زند. همچنین باید یادآوری کرد که رفیق رحمان هاتفی به مثابه یک روزنامه نگار آگاه و متعهد در عرصه "مبارزه" علنی با رژیم شاه نیز نقش بسزایی را در کل جنبش انقلابی کشور بعده داشت. او که از سال ۵۷ سردبیر "کیهان"، پرتیراژترین روزنامه وقت کشور ما بود، با شجاعت کم نظیری در راه آزادی مطبوعات مبارزه می‌کرد و برای سازماندهی اعتصابی کارکنان این موسسه بزرگ انتشاراتی و مطبوعاتی کشور که اعتصاب در "اطلاعات" و "آیندگان" را نیز در پی داشت، رزمید. رفیق هاتفی از راه انتشار خبرهای پشت پرده، مقالات آگاهی دهنده و بسیج گر و اخبار جنبش انقلابی در "کیهان" ضربات بسیار سهمگینی بر پیکر رژیم شاه فرود آورد و توانست تیراژ آن را از حدود صد هزار به یک میلیون و دویست هزار برساند. رژیم ج. ا. که از قدرت خلافت فوق العاده او به هراس افتاده بود، به مجرد استقرار، رفیق هاتفی را از ست سردبیری "کیهان" برکنار کرد.

رفیق رحمان هاتفی در پلنوم هفدهم به عضویت هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران گزیده شد. از آن پس بخشی از وظایف سنگین تشکیلاتی حزب به رفیق رحمان هاتفی محول گردید. در آن هنگام وزن کارگران آگاه و انقلابی در صفوف حزب سنگین تر شده بود و رفیق هاتفی با هدف قوی تر کردن ترکیب کارگری حزب به سهم خود تلاش فراوانی کرد. او تا هنگام دستگیری، اردیبهشت ۶۲، به کار تشکیلات سر و سامان می‌داد.

رفیق رحمان هاتفی در نوشته های شورانگیز خود همواره از انسان طراز نو، انسان مبارز و انقلابی، چهره ای آرمانی و مقاوم تصویر کرده است. چهره ای اسطوره ای و حماسی که بیشتر به افسانه می‌ماند تا حقیقت. این افسانه پیش از او در وجود قهرمانانی چون روزبه، حکمت جو، وارطان، کتیرایی، تیزایی و معدودی دیگر تبلور یافته بود و اکنون در چهره خود او به حقیقت می‌پیوندد. بگذارید راز و هدف مقاومت را از زبان خود او بشنویم. او می‌گوید: "زندگی از زندگی تغذیه می‌کند، و گرنه عاشقانی که درد را می‌فهمند و این جانمایی که خون در آنها جاری است جای خود را به زنده های بی‌زندگی می‌دهند."

نام شهید توده ای، انقلابی بزرگ، رفیق رحمان هاتفی در تاریخ جنبش کمونیستی و کارگری ایران و جهان فناناپذیر خواهد بود. او در زمره قهرمانانی چون خسرو روزبه است که مبارزان انقلابی، بویژه کمونیستها، نسل در نسل در برابرش به احترام سر فرود خواهند آورد و سرمشق مبارزه آگاهانه، هشیارانه، پیکر و درنگ ناپذیر قرارش خواهند داد. ما مدردی خود را با همسر و خانواده رفیق شهید رحمان هاتفی ("حیدر مهران") اعلام می‌داریم و از هسته ها، واحدها و همه هواداران و دوستان حزب می‌خواهیم که خاطره اش را، آنچنان که شایسته قهرمانی حماسه ای چون اوست، گرامی بدارند.

هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران

شهریور ۶۷

زندانیان سیاسی...

به نمایش بگذارد. اما این صحنه سازی ها موثر واقع نشد و هر ماهیت چنانیکار رژیم پرده ساتر نکشید. پس از مدت کوتاهی دیگر بار موج اعدام های گروهی، که کمی فروکش کرده بود، بالا گرفت. ده ها نفر از زندانیان سیاسی، بدون آنکه حتی نامشان از رسانه های گروهی پخش شود و یا چرمشان اعلام گردد در برابر چوچه اعدام قرار گرفتند. این امر موج اعتراض را پیش از پیش در سطح جهان پرانگیخت. بویژه افشاکاری های "نامه مردم" و ارگان های دیگر سازمان های مخالف رژیم سبب گردید که نقاب از چهره حاکمیت ج. ا. برداشته شود. در پی این افشاکاری ها "سازمان عفو بین المللی" باز هم ج. ا. را محکوم کرد. نشریه این سازمان در هجدهم اوت خبر اعدام رفقای توده ای و فدائی را منتشر ساخت و از تمام شعبات سازمان عفو بین المللی خواست که برای جلوگیری از اعدام ۵۵ نفر زندانیان سلول های مرگ اقدام کنند. اما رژیم ضد خلقی ج. ا. بدون آنکه گوش بدهکار اعتراض ها باشد به چنایت های خود ادامه می دهد. اخبار وحشتناکی که رسانه های خبری جهان منتشر می سازند و ماهفته پیش به برخی از آنها اشاره کردیم، همه حاکی از آن است که در هفته های اخیر گروه پرشماری اعدام شده اند که نام و نشانشان هنوز فاش نگردیده است.

رژیم برای توجیه چنایت های خود سازهای جدیدی کوک می کند. مثلا هاشمی رفسنجانی در سخنرانی پایانی سمینار فرمایشی "تجاوز و دفاع" از جمله توده ای ها را متهم ساخت که گویا در جریان جنگ برای عراق "جاسوسی" می کرده اند. این ادعای پیشرمانه فقط باهدف تشدید جنگ روانی علیه حزب ما انجام می شود. رفسنجانی و بطور کلی رژیم می خواهد با این دروغ های شاخدار چنایت های خود در زندان ها را توجیه کند. مردم این واقعیت ها را خوب درک می کنند و در این راستا پروشنی می بینند که مثلا هدف از مصاحبه با لاجوردی در روزنامه "جمهوری اسلامی" نیز، که از جمله پر کشتن توده ای ها اصرار می ورزد، چیست؟ انتقام شکست های مفتضحانه و پی در پی در عرصه های گوناگون از زندانیان سیاسی و قربانی کردن کمونیست ها پیش پای انحصارهای امپریالیستی. بی دلیل نیست که رفسنجانی در همان سخنرانی خود در سمینار فرمایشی یادشده، پس از حمله به توده ایها و فدائیان و غیره و زدن اتهام پیشرمانه به آنان و نیز کمونیسم ستیزی های معمول، "قدرشناسی" و "عکس العمل مثبت" مردم (پخوان: حاکمیت ج. ا.) را از "عمل صالح" "آمریکا و فرانسه و انگلیس" اعلام کرد. وی حتی از ایالات متحده آمریکا گله دوستانه ای کرد که چرا عربستان سعودی را طرفدار آزادی و دمکراسی و عدالت می داند و ج. ا. را که در آن انتخابات "هم می شود، ضد دمکراسی" معرفی می کند. وی برای جلب اطمینان امپریالیست ها

نامه سرگشاده به . . .

زندانیان سیاسی ایران همراه مردم ایران از زحمات شما جهت اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت برای خاتمه جنگ خانمان سوز ۸ ساله ایران و عراق سپاسگزاریم. با توجه به عملکرد شما در امر تسلیم رژیم جمهوری اسلامی برای پذیرش قطعنامه و تلاش بیکر شما در رعایت حقوق بشر در کشورهای دنیا، از شما تقاضا داریم که از نفوذ و اعتبار خود در مجامع بین المللی و شورای امنیت برای نجات جان هزاران زندانی سیاسی که به جرم داشتن عقیده در سیامچالهای قرون وسطایی ایران، از شمال تا جنوب و از غرب تا شرق ایران، اسیر درخیمان زشت سیرت رژیم هستند، استفاده نمائید. از ۶ مرداد ۶۷ (۲۸ جولای ۸۸) همزمان با اعدامهای دسته جمعی در زندانها مقامات دادستانی رژیم جمهوری اسلامی ملاقات زندانیان و هرگونه تماس و ارتباط با خانواده شان را قطع نموده است. آقای دبیر کل، ما از شما مصراتقاضا داریم که رژیم جمهوری اسلامی را وادار کنید تا هرچه زودتر:

- ۱- اعدام زندانیان را متوقف کند.
- ۲- ملاقات و ارتباط زندانیان را با خانواده و خارج زندان برقرار سازد.
- ۳- زندانیانی را که سانهاست از پایان محکومیتشان می گذرد و جرمی غیر از اینکه حاضر نیستند در مصاحبه های تلویزیونی و مطبوعاتی شرکت کنند ندراند، آزاد سازد.

مراتب سپاس و قدردانی ما را بپذیرید. موفق باشید."

در آمریکا چنین لاف زد که گویا در ایران ۹۰ درصد مردم " طرفدار حکومت هستند. انحصارهای نظامی و غیرنظامی و امثال رفسنجانی زبان یکدیگر را خوب می فهمند و می دانند که این چنایتکاران با ریختن خون کمونیست ها به آنان چراغ سبز نشان می دهند و می خواهند راهشان را پیش از پیش هموار سازند. بهمین دلیل علاوه بر مناسبات پنهانی با ج.ا. می کوشند تا از نظر برخورد های دیپلماتیک نیز لحن نرمتری در برابر ج.ا. بگیرند. طبیعی است که مردم ما بسیار هشیار هستند و خوب درک می کنند که زندانیان سیاسی اعدام شده از جمله قربانی پندو پست رژیم با انحصارهای امپریالیستی شده اند.

هرچه دامنه افشاکری های مادرپاره چنایت های رژیم در زندان ها بیشتر باشد، و هرچه کارزار تلاش برای آزادی زندانیان سیاسی دامنه دارتر شود، زمینه شرکت هرچه گسترده تر و ملموس تر مردم برای کشودن درهای زندان ها بیشتر فراهم خواهد شد. باید همواره پیادداشت که نجات دهندگان نهائی زندانیان سیاسی مردم خواهند بود.

وحدت عمل برای نجات جان زندانیان سیاسی،

وظیفه عاجل نیروهای دمکراتیک و مترقی است!

انسان طراز نو

رحمان هاتفی

آمیزه فلز و لپخند،
آن قشون یک تنه
- عصاره نامتناهی -
که جوانی جهان پر شانه های اوست
در انتظار ظهور
کلمات ترا آه می کشیدند
- گرچه هیچ کلامی گنجایش ترا نداشت -
و از آن پیش که بیائی،
پر سر تقسیم روحت
نبرد دهشتناک در گرفته بود.

خونت
که خزه بسته بود بر سنگ ها و ماسه ها
با سقوط هر ستاره گل می داد
و از زخم های تازه بی شمار
- که یادگار میلادت بود -
صدای سنج و طبل بر می خاست:
" فقط خون جهان را می سازد"

- میهن عشق،
- پایتخت رنج جهان کجاست؟
در کوچه باغ های غبار
می خواندی و می گذشتی:
- اجداد من
در کلمه ها خفته اند،
دختران من اما در کوهستان،
سنگین ترین رویاها را
برشانه های مجروح می پرند
چغرافایای من همه تاریخ است

به استقبال
پهلوانان از تندیس ها گریختند
و ترانه ها قفل واژه ها را شکستند،
در زلال صبحی که هنوز از خماری پلک نگشوده بود
اشباح ناب ترین شهدای آینده
بر آستانه سرگذشت تو صف کشیدند

در سنگلاخها
برای پلنگ ها و شاپرک ها
می خواندی و می گذشتی:
" رنگین کمان حادثه نزدیک است،
مردانی از سحر
مردانی از مفرغ در راهند،
مردانی از قصیده و اهریشم،
این قافله هرگز از شب نمی گذرد."

صدائی با طنین گور
از اعماق باستان آه کشید:
" تو کیستی که هجرانت
تعلیق آفتاب و ماه و قناری است"

و تمنایی که هیچ صدایی نداشت
را ز بزرگ را گفت:
" کلید ماه
در زیر سنگی خزه بسته
در چشمه پوسه اوست،
و خورشید
در قعر چاهی دور
در ظلام کیسوی او
به چله نشسته است."

از قلب چاک خورده غنچه،
کلاب فواره می زد
و کلمات پشارت
با طنینی خون آلود
در پاد و اهر تکرار می شدند:
" جهان باید پوسه ای شود،
به شمار همه گونه ها"

در وزش نرم آفتاب سرسبز
که از گریبان تو سر می زد،
طلسم معجزه ترک می خورد
و ما قبل تاریخ به پایان می رسید.

رفیق شهید رحمان هاتفی: راه همان است که من رفتم!

حزب توده ایران، یکی از برجسته ترین چهره های رهبری خود را از دست داد. رحمان هاتفی که در جریان دومین بورس وحشیانه و ناجوانمردانه رژیم جمهوری اسلامی به حزب توده ایران به اسارت در آمده بود، در شکنجه گاهای رژیم به شهادت رسیده است.

رحمان هاتفی که با نام مستعار "حیدر مهرگان" در حزب توده ایران شهرت دارد مبارزی نامدار و محقق شایسته و تحلیل گری انقلابی بود که آخرین تحلیل رزمی خود را با خون خویش بر دیوار سلولش اینچنین نوشت:

"راه همان است که من رفتم!"

او چکیده ایمان نسل جدید توده ای در مبین بلا کشیده ما بود که گردباد مائوئیسم و چپ روی را در دهه ۴۰-۵۰ پشت سر گذاشت و پایتین به راه و آئین حزب توده ایران و پیوستن به صفوف آن، فانوس دریایی را برای نجات و به ساحل رساندن کشتی راه کم کرده نسل جدید و عصیان زده جنبش چپ ایران در این دهه، بر فراز سر خود گرفت.

رفیق شهید رحمان هاتفی از سال ۵۲ بمدت ۶ سال توانست با مهارتی کم نظیر، بین کار علنی و کار مخفی یک پل انقلابی بزند. او در حالیکه تا پیش از انقلاب بهمین ۵۷، در مقام معاون سردبیر و سپس سردبیر "کیهان" در مبارزه علنی و دمکراتیک در راه آزادی و پیروزی آزادی مطبوعات شرکت می کرد، در پی ریزی سازمان مخفی "نوبد" سهم بزرگی داشت.

"رحمان هاتفی" دو بار در زمان شاه اسیر گرازمای ساواک شد و هر بار که از اسارت رها شد خود را چند گام نزدیکتر به حزب توده ایران یافت. بار نخست در سال ۴۶-۴۵ گذارش به زندان قزل قلعه افتاد و بار دوم در سال ۵۰، کمیته مشترک، قزل قلعه و اوین را پشت سر گذاشت.

"هاتفی" در این دو بار، حزب را اینگونه یافت:

"قزل قلعه خلوت بود. من بایی ایمانی مطلق به حزب توده ایران وارد بند شدم. اخبار مربوط به تشکیلات تهران دهان به دهان می گشت.

می دانستم "خاوری" در همان بند است. شبی که فردایش باید از قزل قلعه می رفتم، تصمیم گرفتم "خاوری" را ببینم. همه می دانستند که اعدای است. نزدش رفتم و مثل یک خبرنگار که برای مصاحبه می رود، سئوالاتم را کردم و او آرام پاسخ داد. نمی دانم این گفتگو چقدر طول کشید اما می دانم که سبیده زد و من هنوز هم سئوالاتم را نکرده بودم. او روزهای انتظار اعدام را پشت سر می گذاشت و من آخرین روزهای بازداشت را. وقت جدائی نتوانستم جلو اشکم را بگیرم. در حال و هوای آن سالها، این ایمان بی خدشه به حزب، پاور نکردنی بود. هنگام جدائی "خاوری" می خواست بداند درباره آنچه شنیده ام چه فکری می کنم گفتم: آنچه را امشب شنیدم، تا حالا در رمانها خوانده بودم! ...

سرمست از آنهمه ایمان، از زندان آزاد شدم،

اما هنوز بین خودم و حزب فاصله زیادی می دیدم.

این فاصله را چند سال بعد پشت سر گذاشتم. این سال ۵۱ از اوین مرخص شدم اما پیش از آزادی تصمیم خود را گرفته بودم. دست کوچکم را باید در دستهای بزرگ حزب می گذاشتم. برای این کار به گذشت زمان نیاز داشتم. ساواک باید به خواب خرگوشی می رفت و دست از سر من بعنوان یک "واژه" جنبش چپ ایران بر می داشت. خبر دریافت نخستین نامه ای که برای بیک ایران نوشته بودم سر آغاز دور جدید حیات سیاسی من بود...

این است کوتاه ترین و فشرده ترین زندگینامه انقلابی بزرگی که دیگر در میان ما نیست.

رفیق رحمان هاتفی بلافاصله پس از بنیانگذاری "گروه آدرخش" با مراعات دقیق عدم تمرکز، از داخل کشور همکاری با رادیوی بیک ایران را آغاز کرد. "حماسه" گلسرخي و سیر و سرگذشت او که در چندین نوبت از رادیوی بیک ایران پخش شد، خون جدیدی به پیکر زخم دیده جنبش چپ و کمونیستی ایران تزریق کرد. رفیق شهید هاتفی در آخرین ماههای پیش از دستگیری گلسرخي توانسته بود تاثیر عمیقی بر او بگذارد اما رژیم شاه ساواک فرصت نداد و خیانت برخی اطرافیان گلسرخي و دانشیان این پیوند را از هم گسیخت. رفیق رحمان هاتفی هیچ چیز بر زبان نیاورد و با این راز به میدان تیرباران رفت. مجموعه همه این شناخت و مناسبات دوطرفه در "حماسه" گلسرخي که بعدها توسط هاتفی نوشته شد منعکس است.

رفقا رحمان هاتفی و هوشنگ تیزابی از نوجوانی با یکدیگر آشنا بودند و از دورانی که خود را مبارز سیاسی یافتند در حقیقت سایه به سایه یکدیگر حرکت کردند. بسیاری از مطالعات و تحقیقات را مشترکا انجام دادند. شهادت تیزابی در شکنجه گاه ساواک برای هاتفی ضربه بزرگی بود. خودش بعدها گفت: "شهادت هوشنگ کمر مرا شکست!"

رفیق هاتفی پس از "حماسه" گلسرخي و به توصیه رهبری حزب که خواهان زندگینامه انقلابی هوشنگ تیزابی بود با قلمی شورانگیز این وظیفه را بعهده گرفت. او زندگینامه انقلابی تیزابی را با رزم انقلابی حزب توده ایران پیوند داد و با قدرت و توان یک نویسنده انقلابی به همان هدفی پرداخت که تیزابی در راه آن به شهادت رسیده بود: "پسوی حزب".

پس از پیروزی انقلاب رفقای که مسئولیت گویندگی و نویسندگی رادیوی بیک را عهده دار بودند و همچنین آن رفقای که در چاپخانه حزب در مهاجرت کار می کردند و به ایران بازگشته بودند می خواستند بدانند نویسنده "حماسه" گلسرخي و "زندگینامه" تیزابی کیست؟ آنها می گفتند: "هر بار که قسمت هایی از "حماسه" گلسرخي و "زندگینامه" تیزابی به مرکزیت حزب می رسید و

برای پخش و با چاپ فرستاده می شد "اشک" از چشمان رفقا جاری می شد". این سرگذشت تهمتن جنبش کمونیستی ایران بود نه سرگذشت این شهید و با آن قهرمان حزب. اشتیاق برای دیدار از جانب مقابل نیز وجود داشت اما بنا بر مصلحت و بدستور رهبری حزب "رحمان هاتفی" همچنان بعنوان چهره ناشناس باقی ماند.

رحمان هاتفی یک سلسه تحقیقات درباره جنبش های انقلابی ایران انجام داده بود اما علیرغم خواست و تاکید رهبری حزب، نه در سالهای پیش از انقلاب و نه سالهای پس از انقلاب وقت کافی برای تدوین نهائی و آماده چاپ ساختن آنها را نیافت. "بایک خرم دین"، "نظام برده داری و قیام زنگیان در ایران"، "سربداران"، "انقلاب مشروطیت و انقلاب کبیر فرانسه"، "نقش آفرینان در شاهنامه فردوسی"، "فرقه اسماعیلیه"، "خرم دینان" و "از جنبش جنگل تا فدائیان اسلام" و ... از جمله این تحقیقات است. او از دل همه جنبش های انقلابی ایران تاریخ پرافتخار حزب توده ایران را بازیافت و پس از پیروزی انقلاب با استفاده از نوشته های اعضا قدیمی حزب و اسناد و مدارکی که آنها نزد خود داشتند به تکمیل تحقیقات خود درباره جنبش کمونیستی ایران پرداخت و در حاشیه همین کار بزرگ بود که کتاب ارزشمند "اسناد و دیدگاهها" را تنظیم کرد و در اختیار مرکزیت حزب برای انتشار گذاشت.

رهبری حزب توده ایران تا کنون اخبار و اطلاعات جسته گریخته ای درباره شهادت رفیق رحمان هاتفی در زیر شکنجه داشت که این اخبار را فریادهای رفیق فاطمه مدرسی (سیمین فردین) مدتی پیش از اعدامش تکمیل کرد.

رفیق فاطمه مدرسی نوه آیت الله مدرس بود. مدتی پیش خانواده اش با کمک پاره ای محافل روحانی موفق شد بین او و پدرش که در پستمرگ بود یک ملاقات ترتیب دهد. رژیم که تصور می کرد، شاید آخرین کلمات پدر "سیمین" در پستمرگ بتواند خللی در روحیه مقاوم او بوجود آورد، با این ملاقات موافقت کرد و رفیق شهید سیمین را با پوشش دلخواه رژیم همراه تعداد زیادی پاسدار از زندان اوین به خانه آوردند. این ملاقات چند دقیقه بیشتر طول نکشید اما همین چند دقیقه کافی بود تا او از جنابیتی هول انگیز خبر بدهد. هنگامیکه در محاصره پاسداران خانه را ترک می کرد ناگهان فریاد کشید: این جنایتکاران "رحمان" را کشتند! قهرمان ما را تکه تکه کردند! اما او دهان باز نکرد... "پاسداران امانش ندادند و کیسه ای را که همراه داشتند روی سرش کشیدند و با مشت و لگد سوار اتومبیلی کردند که با آن از اوین آمده بودند. "سیمین" پس از این ملاقات مستقیما به سلول انفرادی منتقل شد.

رفیق رحمان هاتفی همسال حزب توده ایران بود و با اشاره به این مسئله هر سال که از عمرش

کارزار جهانی برای نجات جان زندانیان سیاسی ایران

نامه حزب کمونیست اتریش به سفارت ج.ا.ا. در وین

صدها کارت اعتراض به

سفارت ج.ا.ا. در وین فرستاده شد

در روزهای اخیر صدها کارت اعتراض (به کلیشه رجوع شود) به سفارت جمهوری اسلامی ایران در وین ارسال گشته است. در این کارتها نوشته شده است: "با خشم و انزجار عمیق اطلاع یافتیم، که گروهی دیگر از کادرهای حزب توده ایران، رفقا انوشیروان ابراهیمی، کیومرث زرشناس، سعید آذرتنگ و فرامرز صوفی فدائیان خلق (اکثریت) را به قتل رسانده اند. همچنین این خبر به ما رسیده است، که اینک ۵۵ زندانی در "سلولهای مرگ" در انتظار اعدام بسر می‌برند. کمیته مرکزی حزب کمونیست اتریش اعتراض شدید خود را علیه قتل دوستان و رفقای خود ابراز و در عین حال همبستگی کامل خویش را با همه میهن‌دوستان ایرانی اعلام می‌دارد، که علیرغم اختلاف، شکنجه، شائناژ و تحقیر، چه در سیاهچالهای رژیم اسلامی و چه در شرایط مخفی، به مبارزه خود ادامه می‌دهند. رژیم اسلامی با این اعمال بربرمنشانه، غیر انسانی و جنایتکارانه می‌خواهد، نظر مردم را از تقصیر تاریخی خود در زمینه جنگ خاکی کثافت‌منگ سازه. ما خواستار قطع فوری اعدام‌ها و جنایات ددمنشانه، آزادی همه میهن‌پرستان دریند و احترام به حقوق بشر در ایران هستیم.

از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست اتریش دکتر والتر زیلبرمایر، دبیر حزب کمونیست اتریش به اعدام زندانیان سیاسی اعتراض کرد

"آریابتر تسایوتنگ"، ارگان مرکزی حزب سوسیالیست اتریش، در شماره ۵ اوت خود زیر عنوان "بار دیگر پنج مخالف (رژیم) اعدام شدند" خبر اعدام‌های اخیر را منتشر و خاطر نشان ساخت، که جان پنجاه و پنج کمونیست دیگر در خطر است. بنوشته "این روزنامه، "حزب کمونیست اتریش" در تماسی با موک، وزیر خارجه اتریش، نسبت به این امر اعتراض کرده است.

حزب کمونیست اتریش

به اعدام زندانیان سیاسی اعتراض کرد

در این تظاهرات عده زیادی از سوی حزب کمونیست فرانسه، "کنفدراسیون سراسری کار" فرانسه، "جنبش جوانان کمونیست"، "انجمن همبستگی با مردم ایران"، "سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران (فرانسه)"، حزب ما و "سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)" شرکت کردند.



نامه‌ای از شکنجه‌گاه

روزنامه "نورس فلامان"، ارگان مرکزی حزب کمونیست کارگری سوئد، نزدیک به یک صفحه یکی از شماره‌های اخیر خود را به خلاصه‌ای از نامه رفیق احمد دانش، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، داده است. این مطلب زیر عنوان "نامه‌ای از شکنجه‌گاه" به چاپ رسیده است (به کلیشه رجوع شود).

خبر اعدام رفقا

در رسانه‌های گروهی سوئد

"داگنس نی هتر"، پرتیراژترین روزنامه صبح سوئد خبر اعدام رفقا زرشناس، فردین، آذرتنگ و صوفی را به نقل از خبرگزاری فرانسه منعکس ساخت. این خبر همچنین از تلویزیون سوئد پخش شد.

هم میهنان اعدام:

انوشیروان ابراهیمی دبیر کمیته مرکزی حزب توده ایران
کیومرث زرشناس عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران
فاطمه، مدرس مشاور کمیته مرکزی حزب توده ایران
سعید آذرتنگ مشاور کمیته مرکزی حزب توده ایران
فرامرز صوفی عضو سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

را محکوم کنید!

برای دفاع از جان ۵۵ زندانی سیاسی، که در خطر مرگ قرار دارند، متحداً بپا خیزیم!

حزب توده ایران
حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران

اعتراض مردم فرانسه به رژیم ج.ا.

مانگونه که در شماره ۲۲۱ "نامه مردم" با اطلاع رفقا رسانده شد، "انجمن همبستگی با مردم ایران" برای ابراز همبستگی با زندانیان سیاسی در ایران و آزادی آنان تظاهراتی بپا کرد. در اطلاعیه‌ای که به همین منظور در پاریس منتشر شد و اخیراً بدست ما رسیده است، "انجمن همبستگی با مردم ایران" با ابراز انزجار از اعدام برخی از کادرهای حزب توده ایران، نام رفقا انوشیروان ابراهیمی، کیومرث زرشناس، سیمین فردین، سعید آذرتنگ و نیز رفیق فدایی (اکثریت) فرامرز صوفی را با حروف درشت درج و از همه دمکراتها دعوت می‌کند تا برای اعتراض علیه این جنایات و طلب آزادی همه زندانیان سیاسی در ایران، دست به تظاهرات بزنند.

در این تظاهرات عده زیادی از سوی حزب کمونیست فرانسه، "کنفدراسیون سراسری کار" فرانسه، "جنبش جوانان کمونیست"، "انجمن همبستگی با مردم ایران"، "سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران (فرانسه)"، حزب ما و "سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)" شرکت کردند.

می‌گذاشت می‌گفت: "حزب یکسال پیرتر شد". او که احترامی عمیق به رهبران جنبش کمونیستی ایران می‌گذاشت و حزب توده ایران را ادامه دهنده واقعی حزب کمونیست ایران می‌دانست، نام "حیدر" را بپاد "حیدرخان" و "مهرگان" را به نشانه ماه بنیانگذاری حزب (مهر ماه ۱۳۲۰) برای خویش انتخاب کرده بود. با درود بر "حیدرخان" و بپاد "حیدر مهرگان" از تمام رفقای حزبی می‌خواهیم در هر کجا که هستند قیام کرده و یک دقیقه سکوت کنند. این سکوت نشانه عزم راسخ ما برای ادامه راه "حیدرخان" ها و "حیدر مهرگان" هاست!



اعتراض هواداران حزب در سوئد

هواداران حزب توده ایران در سوئد اعلامیه‌های حزب را درباره اعدام‌های اخیر بزبان‌های فارسی و سوئدی در مقیاس وسیع در این کشور پخش کردند. آنها علاوه بر این، به نصب تراکت‌های مختلف در نقاط گوناگون دست زدند.

در یکی از مناطق سوئد توده‌ایها، اکثریتی‌ها و اقلیتی‌ها در اعتراض به اعدام‌ها به اعتصاب غذای سه روزه پرداختند. در گوته بُرگ مجلس بزرگداشتی برای شهیدان اخیر حزب برپا شد. طبقه در ص ۷



اعتصاب

در کارخانه ماشین سازی "زامیاد"

کارگران کارخانه "زامیاد" با بهره جویی از حربه اعتصاب و همبستگی به خواست های خود دست یافتند.

در ابتدای سال ۶۷ مدیریت دولتی کارخانه "زامیاد" درآمد سیاست رژیم مبنی بر "کم کردن نان خورما"، تصمیم می گیرد به بهانه کمبود مواد اولیه ۱۲۰ نفر از کارگران ماهر و پاساچه را که سابقه برخی از آنها تا ۱۵ سال می رسیده، به کارخانه "پارس خودرو" منتقل کند. این عده از کارگران بنا به تجربه موجود، خود را با خطر پایمال شدن سوابق کار، پائین آمدن میزان حقوق و احتمال اخراج روبرو می بینند. از اینرو، نسبت به تصمیم مدیریت اعتراض می کنند. ولی اعتراضات آنها کارگرمی افتد. آنها جهت تجدید نظر به ادارات مربوطه، از جمله نخست وزیری، مراجعه می کنند. ولی همه چا با این توصیه روبرو می شوند که باید تصمیم مدیریت اجرا کنید. مثلا در دفتر نخست وزیری به آنها گفته می شود که شبا انقلابی هستید و ما در وضعیت جنگی پسر می پریم. شما باید شرایط کشور را درک کنید و به تصمیم مدیریت گردن بگذارید. کارگران که عده ای از اعضای انجمن اسلامی هم بین آنها بوده اند، از همه چا قطع امید می کنند. سپس تصمیم می گیرند که با جلب حمایت بقیه کارگران، از اجرای دستور مدیریت سر باز بزنند.

بدین ترتیب، کارگران در محل کار حاضر و مشغول به کار می شوند. مدیریت که کارگران را در مقابل خود می بیند، دستور می دهد تا اسامی ۴۰ تن از آنان را بعنوان اخراجی، از بلندگوها اعلام کنند و نگهبانی را موظف می سازد تا از ورودشان به کارخانه جلوگیری بعمل آورند.

صبح روز ۱۱ اردیبهشت، کارگران اخراجی چلوی در کارخانه گرد می آیند. بقیه کارگران که شاهد قلدرمنشی مدیریت بودند، دست از کار می کشند. دیری نمی باید که کارگران کارخانه های مجاور، "کارخانه رادیوسازی" و "کارخانه زر" که هردو وابسته به زامیاد هستند، بعنوان اعلام همبستگی، به کارگران اخراجی می پیوندند. سپس کارگرانی که در داخل کارخانه "زامیاد" بودند، با راهپیمایی و شعار دادن پشتیبانی از همکاران اخراجی خود را اعلام می کنند. آنها چلوی کارخانه گرد می آیند و کارگران اخراجی را روی دست بلند می کنند و در حالیکه علیه آمریکا و اسرائیل و همچنین علیه مدیریت شعار می دهند، در قسمت های مختلف کارخانه می چرخانند.

در پایان راهپیمایی، کارگران قطعنامه ای حاوی خواسته های بازگرداندن کارگران اخراجی، عوض شدن مدیریت و بازگرداندن خط تولید نیسان (که به کارخانه سایپا منتقل شده) به کارخانه، به تصویب رساندند. قطعنامه با شعارهای "کار حق مسلم کارگر است" و "کمبود مواد اولیه مشکل دولت است نه کارگر!" خاتمه یافت.

مدیریت که از حرکت شجاعانه و متشکل کارگران سخت به وحشت افتاده بود، دست به دامن نیروهای سرکوبگر رژیم شد. پزودی عوامل دادستانی و نیروهای سرکوبگر سپاه سراسیمه وارد کارخانه می گردند. با اینکه کارگران حاضر می شوند در محل مسجد کارخانه به مذاکره بنشینند و خواست های برحق خود را مطرح کنند، ولی مزدوران رژیم با تیراندازی هوایی به نمایش قدرت پرداخته و دشمنانه به ضرب و شتم کارگران می پردازند. ۲۲ نفر از کارگران دستگیر وعده ای از آنان را شبانه از خانه هایشان می ربایند و منزل آنها را مورد تفتیش قرار می دهند. عمل وحشیانه مزدوران رژیم عزم کارگران را برای مبارزه تا تحقق خواسته هایشان راسخ تر می سازد و حرکت اعتصابی کارگران در روزهای ۱۴ و ۱۵ اردیبهشت ادامه پیدا می کند. سرانجام علیرغم دسیسه چینی های گوناگون، یکپارچگی کارگران مدیریت را مجبور می کند تا با نمایندگان کارگران بمذاکره بنشینند. در حال حاضر آزادی کارگران دستگیر شده در صدر خواسته های کارگران قرار دارد.

کارگران دستگیر شده به زندان اوین منتقل شدند، تا اواخر خردادماه چهارتن از آنها را به قید ضمانت آزاد کردند و از سر نوشت بقیه کارگران خبری در دست نیست. یکی از کارگران زامیاد درباره پلائی که بر سر یکی دیگر از کارگران دستگیر شده، آورده اند می گوید: در تمام مدت بازداشت چشم های کارگردستگیر شده بسته بوده است، بطوریکه اصلا نفهمیده او را کجا برده اند. فقط بعدها او را در کرج آزاد کرده اند. در تمام مدت بازداشت، هر روز دومرتبه او را پشددت کتک می زده اند. در موقع بازچوئی هم او را شدیداً تحت فشار و شکنجه قرار داده اند. از اومی خواسته اند که بگوید از چه کسی دستور می گرفته است. او هم در تمام مدت به آنها جواب می داده که از هیچ کسی دستور نمی گرفته و برای این دست به اعتصاب زده که چرخ زندگی اش لنگ می زند و اقدامات مدیریت باعث فلج شدن زندگیش شده است. یکی از کارگران که گفته می شود قطعنامه را قرائت کرده است، همان شب، بعد از درگیری، کمیته منطقه خیابان زنجان، برای دستگیری به خانه اش یورش می برد. او در خانه نبوده است و خانواده اش می گویند رفته است مسجد. پس از مراجعت از مسجد، اهل محل ماچرا را با او در میان می گذارند. صبح روز بعد با سرویس به کارخانه می رود، کمیته چی های خیابان زنجان که چلوی در کارخانه صبح منتظرش بوده اند، او را دستگیر می کنند. به گفته همکارانش مادر او چندین بار به کمیته زنجان مراجعه می کند ولی آنها پاتمسخر اظهار بی اطلاعی می کنند. تا اینکه پوسيله یکی از آشنایانش در شورای عالی قضائی

مطلع می شود که پسرش در زندان اوین پسر می برد. فرد مذکور به مادرش می گوید ما برای پسر شما هیچ کاری نمی توانیم انجام دهیم. کار پسر ت هم بستگی به این دارد که دادگاه داخل اوین چرم او را سیاسی بداند یا غیر سیاسی. اگر غیر سیاسی بحساب بیاید، پزودی آزاد خواهد شد.

پریایه آخرین اخبار و اطلاعات موجود، دامنه دستگیری ها به دیگر کارخانجات نیز سرایت کرده است. ظاهراً دوستان دستگیرشدگان در کارخانه های دیگر را شناسائی و دستگیر می کنند.

اعتصاب در کارخانه فرش ماشینی قائم شهر

در کارخانه فرش ماشینی قائم شهر (شاهی) در آخرین هفته خرداد ماه یک اعتصاب عمومی با شرکت کلیه کارگران کارخانه صورت می گیرد. کارگران دلیل این اعتصاب را نادیده گرفتن خواست های برحق زبر، از سوی مسئولان کارخانه اعلام می دارند:

۱- عدم اخراج کارگران کارخانه به بهانه نداشتن مواد اولیه

۲- پرداخت سود ویژه به کارگران

یکی از کارگران درباره سود ویژه می گوید: ما هر سال حق افزایش تولید (سود ویژه) خودمان را بصورت جنس دریافت می کردیم. امسال هم به ما جنس دادند. اما بدون اینکه به ما چیزی بگویند قیمتش را از چندرغاز حقوق ما کم کردند. ما هم اعتراض کردیم از طریق شورا و حتی انجمن اسلامی اقدام کردیم، ولی بجائی نرسید.

همین کارگر درباره اخراج کارگران نیز می گوید: کارخانه ما حدود ۲۰۰ نفر کارگردارد که در سه شیفت کار می کنند. در سه ماه اخیر به بهانه نداشتن مواد اولیه چند نفر از کارگران را اخراج کرده اند. هرچه اعتراض کردیم، به جائی نرسید. بالاخره تصمیم گرفتیم دست از کار بکشیم و اعتصاب کنیم.

در پی اعتصاب کارگران، مسئولان کارخانه از سپاه و کمیته کمک می طلبند و آنان نیز با یورش به کارخانه و ضرب و شتم کارگران پیش از صدنفر را دستگیر می کنند، ولی اتحاد و یکپارچگی کارگران در جریان اعتصاب، آنها را وادار می کند تا همه دستگیرشدگان آزاد شوند.

در حال حاضر، مذاکراتی بین نمایندگان کارگران و مدیران کارخانه در جریان است. کارگران گفته اند اگر مذاکراتشان با مسئولان کارخانه به جایی نرسد، دوباره دست به اعتصاب خواهند زد. اعتصاب رانندگان کامیون و تریلر در قزوین در آخرین روزهای اردیبهشت ماه سال جاری، رانندگان کامیون و تریلی در شهر قزوین دست به اعتصاب زدند. علت اعتصاب مالیاتی بود که دولت برای کامیون ها و تریلی ها در نظر گرفته است.

کامیونداران و تریلی داران می گویند: وقتی که جفت لاستیک را باید ۱۰۰ الی ۱۲۰ هزار تومان بخریم، وقتی که لوازم یدکی گوناگون ماشین در بازار آزاد به قیمت های سرسام آور خریداری می کنیم، دیگر مالیات به دولت را چگونه بپردازیم؟

اعتصاب مینی بوس داران تهران - کرج

مینی بوس داران تهران - کرج، تهران - مهر شهر، تهران - گومر دشت و ... بدلیل قطع سهمیه روغن و پائین بودن کرایه (۴۰ ریال برای کرج و ۵۰ ریال برای گومر دشت و ...) دست به اعتصاب زدند. اعتصاب مینی بوس داران، مسئولان شرکت واحد اتوبوس رانی را به دردسر انداخت. در نتیجه به فکر حیلای برای درهم شکستن اعتصاب افتادند. تعدادی اتوبوس شرکت واحد را با دو راننده در روز برای حمل و نقل مسافران در نظر گرفتند و به رانندگان گفتند که شما بجای مینی بوس ها در این خط کار کنید و روزانه ۸۰۰ تومان به شرکت واحد بپردازید و بقیه کارکردتان را همدتان بپردازید. این حرکت باعث شد تا عده ای از مینی بوس داران اچارا پسرکار برگردند. ولی تعداد کثیری مقاومت می کنند. این وضع تقریباً در تمام نقاطی که مینی بوس ها کار می کنند حاکم است.

اعتصاب کامیونداران شرکت تعاونی "وایت"

در اوایل اردیبهشت ماه، اعتصابی پوسیده کامیونداران شرکت تعاونی "وایت" در اعتراض به نحوه پارگیری و وضع ناپسامان حمل و نقل در بندر عباس صورت می گیرد که بلافاصله سرکوب می شود. رژیم توطئه های بسیار گسترده ای را در مورد کامیونداران به اجرا گذاشته است تا از حرکت جمعی آنها جلوگیری بعمل آورد. مثلاً در مورد تنها سازمان حمل و نقل دولتی که مجوز خروج از کشور را دارد ("ایریت")، از هر کامیوندار خواسته شده که یک میلیون تومان ضمانت بپردازد. این امر باعث شده که کامیونداران ضامن یکدیگر شوند و از ترس دردهای ضمانت ها، همدیگر را زیر نظر داشته باشند و بدینسان یک سیستم خود کنترلی بوجود آورده اند. بعلت قراردادهای اخیر با ترکیه، وضع پار بسیار نامناسب شده و کامیونداران فقط می توانند برای چیه مهمات پار بزنند.

اعتصاب موفق نفتکش های مشهد

اواسط خردادماه نفتکش های مشهد اعتصاب کردند. اعتصاب ۲۴ ساعت بطول انجامید. در نتیجه این اعتصاب، صف های بنزین به کیلومترها می رسد. علت اعتصاب اجبار دولت به اعزام نفتکش ها به چیه بود. دولت گفته بود، در صورتی به نفتکش داران لاستیک تحویل می دهد که آنها به چیه بروند. اعتصاب با پیروزی رانندگان نفتکش ها به پایان می رسد.

اعتصاب در کارخانه "آزمایش"

در هفته آخر خرداد، کارگران کارخانه آزمایش دست به اعتصاب زدند. علت اعتصاب جلوگیری از تهدیل کارخانه به کارخانه تولید وسایل نظامی بود. از نتیجه اعتصاب اطلاعی در دست نیست.

حزب کمونیست شروع!

دستپاچگی رژیم ایران انسان را بیاد نازی ها می اندازد

"بیستم ژوئیه، چهار زندانی سیاسی در ایران اعدام گردیدند. این واقعه رویداد. مجزا از دیگر حوادث نیست. بر اساس اطلاعات رسمی مقامات ایران ۵۵ زندانی سیاسی دیگر در سلولهای انفرادی در انتظار مرگ هستند.

بسیاری از این زندانیان اعضای حزب کمونیست ایران ("توده") اند و از کادرهای حزب محسوب می شوند. عده دیگر به دیگر جریانات غیر قانونی چپ ایران تعلق دارند. موج اعدامهای اخیر در ایران در ارتباط تنگاتنگ با جریان آتش بس و برقراری صلح احتمالی بین ایران و عراق در جریان

این افراد می تواند تضمین گر عدم شروع مجدد جنگ باشد.

رژیم ناخواسته مجبور به رسمیت شناختن قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل گردیده است. این پیروزی بزرگی برای اکثریت قاطع مردم ایران بشمار می رود. در این راستا، حزب توده ایران طی بیانیه ای، اعلام داشته که این تنها آغاز حرکت است و مبارزه ادامه خواهد یافت. رژیم ایران اکنون در ژرفترین بحران سیاسی، اقتصادی و نظامی حیات خود قرار دارد. سیاست خمینی بی محتوی از آب در آمده و او اکنون بقول خودش مجبور به نوشیدن جام زهر شده است. بدین ترتیب، اعدام زندانیان سیاسی بمثابه عملی نومیدانه جهت از بین بردن خطرناکترین مخالفان سیاسی او محسوب می گردد. با تمرکز توجه بسوی "دشمنان داخلی" رژیم کوش می کند تا این واقعت را که سیاست جنگی ۸ ساله اش عاری از هر گونه منطقی بوده است، به پوته فراموشی



جنگ ۸ ساله است. نشانه عمل با آلمان هیتلری کاملاً مشهود است: در حالیکه ارتش سرخ در جلوی دروازه های برلین قرار داشت، نازیها با دستپاچگی اقدام به اعدام زندانیان کمونیست کردند. اکنون رژیم ایران مشغول طرح ریزی قوانین پس از جنگ است. رهبران آن نیروهائی که بر علیه رژیم خمینی مبارزه کرده اند، در لیست مرگ قرار گرفته اند. اشخاصی که بهتر از هر کس دیگر قادر به بیان جنایات رژیم بر علیه خلق خود هستند، می باید سر به نیست شوند. اما موج اعدامها در ایران از دلائل دیگری نیز نشات می گیرد.

در طول ۸ سال جنگ خونین سیاست رژیم خمینی "جنگ، جنگ، جنگ تا پیروزی" بوده است. افرادی که بر علیه جنگ به مبارزه برخاستند، می بایست قبل از سپیج نیرویشان جهت دفاع از صلح عادلانه، نابود گردند - و این نیز بدلیل اینکه کوش

بسیار است. اعدامها در ایران دارای دلیل دیگری نیز هست. روندهای گوناگونی دلالت بر تلاش رژیم خمینی جهت برقراری ارتباط مجدد با آمریکا و سایر کشورهای غربی دارد. امپریالیسم در راه بازگشت به ایران است. این مسائل زمینه موجود در رابطه با اعدامهای فزاینده در ایران است. بر این اساس ضروری است، تا همه نیروهای دمکراتیک نفرت و انزجار خود را از اعمال رژیم ایران اعلام دارند و خواستار توقف اعدامها، طرح ریزی شده در ایران گردند.

فری هتس، روزنامه حزب کمونیست نروژ، فزون بر اعلامیه بالا، عکسی را نیز از رفیق کیومرث زرشناس در گفتگو با رفیق فیدل کاسترو در جریان فستیوال جهانی جوانان در کوبا چاپ کرده است. بقیه در ص ۸

همبستگی کمونیستهای فرانسه با حزب توده ایران

کمیته مرکزی حزب توده ایران نامه زیر را از حزب کمونیست فرانسه دریافت داشته است:

"رفقای گرامی،

از نامه مورخ ۲۷ ژوئیه شما، که در آن خبرهای ناگواری را به اطلاع ما رساندید، تشکر می‌کنیم. اعدام پنج تن از رهبران و کادرهای حزب شما و یک عضو سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و همچنین خطری که از جانب رژیم ایران جان ۵۵ زندانی سیاسی دیگر را مورد تهدید قرار داده است، تأثر عمیقی را در حزب ما پدید آورد.

این جنایات که باید به شدیدترین وجه محکوم شوند، در چارچوب سیاست خونریزی و ضدانسانی رژیم تاریک اندیشی صورت می‌گیرند، که لحظه‌ای از سرکوب نیروهای مترقی غافل نیست. در چنین شرایط در آوری ما باید دیگر همبستگی فعال خود را با شما ابراز می‌داریم. روزنامه ما "اومانیت" درباره این جنایات اخیر هشدار داده و حزب ما به تظاهراتی که در پاریس بمنظور اعلام اعتراضهای ضرور تشکیل می‌گردد، پیوسته است و در آن شرکت می‌جوید.

ما بطور کلی در آن جهت فعالیت می‌کنیم که این همبستگی به وسیع‌ترین شکل ممکن ابراز گردد و همه نیروهای مترقی و دمکراتهایی را که نگران عدم رعایت حقوق بشر و ارزشهای انسانی هستند، گردهم آوریم.

با تقدیم درودهای گرم و برادرانه به شما،
رفقای عزیز،
گاستون پلیسونیه
دبیر کمیته مرکزی"

جامعه حقوق بشر فرانسه: زندانیان سیاسی را آزاد کنید!

بدنبال انتشار خبر اعدام تعدادی از رفقای رهبری حزبمان که در چنگال رژیم خون آشام ج.ا. پسر می‌بردند، شعبه فرانسوی جامعه حقوق بشر که مقر آن در پاریس است، با ارسال نامه‌ای به سفارت ج.ا.ا. در پاریس، از اعدامهای متعددی که طی هفته‌های اخیر در کشورمان صورت گرفته، ابراز نگرانی شدید کرده است.

جامعه حقوق بشر در این نامه که روپر وردیه، سرپرست امور بین‌المللی "جامعه"، آن را امضا کرده است، با اشاره به اعدام ۵ تن از رهبران حزبمان در بیستم ژوئیه گذشته، خواستار توقف فوری اعدامها، آزادی بیدرتنگ همه زندانیان سیاسی و سندیکیایی ایران شده است.

این جامعه از تلاشهای صلح جوینان سازمان ملل متحد برای حل مسئله جنگ ایران و عراق پشتیبانی کامل خود را اعلام و اظهار امیدواری کرد.

جامعه حقوق بشر در پایان بر ضرورت رعایت حقوق بشر و آزادیهای دمکراتیک از سوی مقامات ج.ا.ا. تأکید ورزیده است.

اعلامیه دولت شوروی

بیستم اوت ۱۷۸۸ آتش پس در جبهه جنگ ایران و عراق برقرار شد. حادثه‌ای روی داد که راه را برای پایان دادن به یک جنگ طولانی و خونین باز کرد. از مدتها پیش خلق‌های ایران و عراق و همه کسانی که صادقانه در راه خاموش کردن کانون‌های وخامت و برقرار ساختن صلح و ثبات در خاور نزدیک می‌کوشند منتظر چنین چیزی بودند.

پس از موافقتنامه‌های ژنو پیرامون افغانستان، پیدایش امکان برای باز کردن گره یک درگیری اینقدر طولانی و ویرانگر و خطرناک به معنای تغییر در فضای سیاسی جهان است.

دولت شوروی با خشنودی از نقش مهم سازمان ملل متحد، شورای امنیت و شخص دبیرکل سازمان ملل متحد در این راستا که ایران و عراق عملیات جنگی را قطع کنند و به منظور حل سیاسی مسائل مورد مناقشه به گفتگو بنشینند یاد می‌کند.

قطعنامه ۵۸۸ که با تلاش‌های جمعی تدوین گردید و در جلسه بیستم ژوئیه ۱۷۸۷ شورای امنیت به اتفاق آراء پذیرفته شد، پایه‌های حل عادلانه و توأم با موازنه درگیری را گذاشت که دو کشور آن را مورد تایید قرار دادند. این نمونه قانع‌کننده‌ای برای تایید تأثیر گذاری سازمان ملل متحد و امکانات صلح‌آورانه شورای امنیت است. وحدت شورای امنیت و پرویزه اعضای دائمی آن که در پیوند با قطعنامه ۵۸۸ پرچود آمد، به عقیده دولت شوروی باید حفظ شود و تحکیم یابد.

از نخستین روز جنگ ایران و عراق، اتحاد شوروی پیگیرانه در جهت قطع آن تلاش می‌کرد، همه کوششهای میانجیگرانه را مورد پشتیبانی قرار می‌داد و خود کارهای زیادی کرد که خونریزی‌ها پایان پذیرد.

در اتحاد شوروی برآنند که تازه نخستین گام برداشته شده و هنوز راه درازی در پیش است. مسائل پرنوع بسیاری که سبب درگیری شد، ریشه‌های ژرف تاریخی دارد. اما همه اینها تنها بر ضرورت این امر تأکید می‌ورزد که نباید اجازه داد بار دیگر آتش جنگ شعله‌ور گردد. نباید امکانات واقعی بدست‌آمده برای چرخش رویدادها و سمت‌دهی آنها پسوی باروری جوانه‌های صلح از دست برود.

صلح در منطقه برای همه لازم است. تأثیر زندگی بخش آن را نه تنها ایران و عراق، بلکه همچنین کشورهای همجوار آنها احساس می‌کنند. برقرار شدن آرامش بلافاصله تأثیر مثبتی بر منطقه خلیج فارس و هر سراسر جهان و بر مناسبات اقتصادی بین‌المللی خواهد گذاشت.

دولت شوروی در این زمینه عقیده دارد که جامعه جهانی که از درگیری ایران و عراق به حق نگران بود، با دقت روند ساماندهی مسالمت آمیز مسئله را دنبال خواهد کرد. دولت شوروی به

سهم خود آماده است در صورت لزوم حداکثر حسن نیت را از خود نشان دهد و از ماموریت دبیرکل سازمان ملل متحد و روند گفتگوها پشتیبانی کند.

دستیابی به صلح عادلانه و پایدار میان ایران و عراق به گونه‌ای ناگسستگی در چارچوب تلاش برای ایجاد نظام بین‌المللی صلح و امنیت جای می‌گیرد. به عقیده اتحاد شوروی، در چشم انداز آینده، بستن پیمانی درباره کاهش میزان نیروهای مسلح در منطقه می‌تواند کام مهمی در این راه باشد. سپس آشکارا می‌توان امکانات تحقق گام‌های بعدی بازم موثرتری را از جمله پیرامون بری بودن منطقه از جنگ افزار هسته‌ای، ناپود ساختن وسایل آسیب رسانی جمعی و تحکیم اعتماد متقابل، مورد مطالعه قرار داد.

مسئله تامین امنیت و آزادی کشتیرانی در خلیج فارس هم نباید نادیده گرفته شود. تکیه بر نمایش یکجانبه قدرت، پارها به خطر گسترش درگیری‌ها انجامیده است. در پرتو وضع‌نویسی که پیدا شده است، بهانه‌های توجیه باقی ماندن ناوگان‌های جنگی کشورهای غیر ساحلی خلیج فارس دیگر پایه‌ای ندارد. اتحاد شوروی آماده است بیدرتنگ کشتی‌های خود را از خلیج فارس بیرون ببرد، بشرطیکه کشورهای دیگر هم به همین ترتیب رفتار کنند.

تا آنجا که به تامین امنیت خطوط دریائی در خلیج فارس مربوط می‌شود، پیشنهادهاى اتحاد شوروی در این زمینه را همه می‌دانند. بنظر ما یک پیمان بین‌المللی درباره این مسئله می‌تواند سیستمی از تضمین‌ها از سوی اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد و یا مکانیسم‌های نظیر آن را پیش‌بینی کند. اتحاد شوروی البته نقطه نظرهای کشورهای خلیج فارس را که پیش از همه علاقمندند خلیج فارس تبدیل به منطقه امن حسن همجواری و همکاری شود با دقت مورد توجه قرار خواهد داد.

خلیج‌های ایران و عراق می‌توانند به علاقه صمیمانه اتحاد شوروی به آنها و به آمادگی کشور ما برای گسترش همکاری‌های همه‌جانبه و پرثمر متقابل و برپایه برابری، اطمینان کامل داشته باشند.

کمکهای مالی رسیده:

سام	۱۰ دلار
(ش)	۲۰۰۰ افغانی
وحید	۹۰ دلار
از سانفرانسیسکو	۱۴ دلار
کمک به زندانیان سیاسی بباد	
رفقا زرناس و باران از استکهلم	۸۵۰ کرون
همایون	۱۰۰ کرون

آدرس بستی:

NAMEH
MARDOM
NO: 222

P.B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

30 August 1988

جبهه متحد خلق ضامن پیروزی انقلاب است